عنوان:

همه از خاکید

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-w-65 |
| موضوع |  |
| رده | علمی/سایر علوم/تحقیق و مطالب علمی/یادداشت/دروس حوزوی/سؤال و تمرین |
| برچسب | تساوی، عدالت، تواضع، قیاس مساوات، فتح مکه، تاریخ صدر اسلام، اشتقاق، ابدال، شکل ثالث، تحویل قضایا، عکس مستوی، عطف جمله، واو عاطفه، واو استیناف، جمله انشائیه، جمله خبریه |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 303](https://eitaa.com/karbordeelm/1024) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است.2. در توليد اين فايل از نرم‌افزار قاموس النور متعلق به مرکز تحقيقات کامپيوتری علوم اسلامی استفاده شده است. |

عن أمية بن عبد الله بن عمرو، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم لما فتح مكة قام خطيبا، فقال: إن الله عز وجل قد أذهب عنكم عبية الجاهلية وتعظمها بآبائها، فالناس رجلان: بر تقي كريم على الله عز وجل و فاجر شقي هين على الله عز وجل الناس بنو آدم، و آدم من تراب، قال الله تعالى: {يأيها الناس إنا خلقناكم من ذكر وأنثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا إن أكرمكم عند الله أتقاكم إن الله عليم خبير} أقول قولي هذا و أستغفر الله لي و لكم.

**سوالات:**

۱. «واو» در و أستغفر برای عطف است یا استیناف؟ یک دلیل نحوی ذکر کنید.

۲. ترکیب فالناس رجلان: بر تقي كريم على الله عز وجل و فاجر شقي هين على الله عز وجل و دو جمله بعدش برای اینکه اثبات کند «کلا صنفی الناس ای برهم و فاجرهم من تراب» دو اشکال دارد؛ یکی اینکه شکل سوم در ترکیب قضیه اول و دوم همیشه منتج جزئیه است و دوم بین قضیه دوم و سوم حد وسط تکرار نشده است. اشکال‌ها را جواب دهید.

3. «عبیة» چه صیغه ای است؟

**پاسخ:**

1. جمله اقول قولی اخبار است و جمله استغفر الله لی و لکم انشا است و لذا به نظر می رسد واو برای استیناف باشد.

(مغني اللبيب، ج‏2، ص: 482)

1. قیاس اول این است
* الناس صنفان (ای الرجلان و هما بر و فاجر)
* الناس بنو آدم

و قیاس دوم این است

* البر و الفاجر کلاهما بنو آدم (نتیجه قیاس قبل بنابر انتاج کلیه)
* آدم من تراب

و نتیجه نهایی می‌شود کلا صنفی الناس ای البر و الفاجر من تراب

(ارتباط فقرات دیگر خبر و استدلال بین آن‌ها از بحث تمرین ما خارج است.)

جواب از اشکال اول منطق:

رد اشکال انتاج کلیه در ثالث الاشکال نیاز به توضیح دارد و خلاصه آنکه علت جزئیت ضرب اول شکل سوم این است که عکس موجبه کلیه، جزئیه است لکن اگر حصری در کار باشد و به عبارت دیگر بین موضوع و محمول تساوی باشد و نه عموم و خصوص مطلق، عکس کلی صادق خواهد بود و لذا با رد شکل ثالث به شکل اول که ام الاشکال است می‌بینیم که اشکال زائل می‌شود. در این مثال فالناس رجلان مفید حصر ناس در رجلان است پس می‌توان عکس مستوی ساخت و گفت الصنفان جمیع الناس و مطلوب هم کلیه می‌شود.

جواب از اشکال دوم منطق:

این قیاس مثل قیاس مساوات است بلکه از مصادیق آن است و این یعنی اینکه به قضیه دیگری از خارج نیاز دارد که چون بدیهی بوده ذکر نشده است و آن قضیه عبارت است از «ما کان من شیء هو من شیء کان هو من ذلک الشیء».

تطبیقش این است:

البر و الفاجر کلاهما ناشئ من آدم (نتیجه قیاس اول)

کل ناشئ من آدم ناشئ مما نشأ منه آدم (قضیه خارجیه)

البر و الفاجر ناشئان مما نشأ منه آدم (قیاس نخست)

التراب نشأ منه آدم (کبرای قیاس دوم مذکور در روایت)

ما نشأ منه آدم البر و الفاجر ناشئان منه (محوله نتیجه قیاس بالا[[1]](#footnote-1))

التراب کلا الصنفین ناشئ منه (قیاس دوم)

و تحویل آن می‌شود کلا صنفی الناس ای برهم و فاجرهم ناشئان من تراب و هو المطلوب.

1. و في الحديث: إِن اللّه وضَعَ عَنْكم عُبِّيَّةَ‌ الجاهلية، و تَعَظُّمَها بآبائها.

يعني الكِبْرَ، بضم العين، و تُكْسَر. و هي فُعُّولة أَو فُعِّيلة، فإِن كان فُعُّولة، فهي من التَّعْبِيةِ‌، لأَن المتكبر ذو تكلف و تَعْبِيَةٍ‌، خلافُ المُسترسِل على سَجِيَّتِه; و إِن كانت فُعِّيلَة، فهي من عُباب الماءِ‌، و هو أَوَّلُه و ارتفاعُه; و قيل: إِن الباءَ قُلِبَتْ ياء، كما فَعَلوا في تَقَضَّى البازي.[[2]](#footnote-2)

1. دقت شود که تحویل با عکس اشتباه نشود. [↑](#footnote-ref-1)
2. . لسان العرب، ج1، ص ۵۷۴ [↑](#footnote-ref-2)